

تولد بزدهای اجتماعی از دل فقر

هرچند این روزها شرایط اقتصادی سبب شده تا بسیاری از خانواده‌ها سفرهای کوچک‌تر در خانه‌هایشان پهن کنند ...



هرچند این روزها شرایط اقتصادی سبب شده تا بسیاری از خانواده‌ها سفرهای کوچک‌تر در خانه‌هایشان پهن کنند اما همیشه سکه دو رو دارد. جامعه‌شناسان می‌گویند روی دیگر این سکه افزایش آسیب‌های اجتماعی است. آمارهای رسمی هم مهر تاییدی بر این ادعا می‌زند. سرقت‌های خرد افزایش یافته‌اند، نزاع و درگیری در کشور بیشتر شده و طلاق نیز همچنان سیر صعودی دارد. همین که زندان‌های کشور با کمبود فضا مواجهند نشان می‌دهد تعداد مجرمان رو به افزایش است.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از تهران امروز؛ اما با استناد به این گفته غلامحسین اسماعیلی، رئیس سازمان زندان‌ها که 68 درصد زندانیان کمتر از یکماه در زندان هستند، می‌توان نتیجه گرفت که پای این زندانیان عموماً به دلیل جرم‌های کوچک به زندان باز می‌شود. پیش از این نیز سید باقر حسینی، نماینده زابل به تهران امروز گفته بود: «#171؛ در زندان زابل زندانیان جوانی را دیدم که به دلیل سرقت احشام ناشی از فقر، به زندان افتاده بودند.» به نظر می‌رسد آسیب‌های اجتماعی زخم‌هایی بر پیکر جامعه هستند که اگر ریشه‌ای درمان نشود، هر چند وقت یکبار سر باز می‌کنند.

در این باره با دو نفر از جامعه‌شناسان به گفت‌وگو نشستیم. دکتر سعید معیدفر، عضو انجمن جامعه‌شناسی معتقد است: «#171؛ در جوامعی که اکثریت در فقر هستند آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها کمتر است از جامعه‌ای که در آن فاصله برخورداری افراد از مواهب زندگی بسیار زیاد است.» دکتر عماد افروغ استاد دانشگاه تربیت مدرس هم که رساله دوره دکترایش موضوع «#171؛ فقر و نابرابری اجتماعی» بوده نیز می‌گوید: «#171؛ عدالت، برابری اجتماعی و اخلاق که باشد بسیاری از آسیب‌های اجتماعی ریشه کن خواهند شد.»

به نظر شما فشارهای اقتصادی تا چه اندازه در پدید آمدن آسیب‌های اجتماعی تاثیرگذارند؟

معیدفر: ما انسان‌ها نیازهایی داریم که باید تامین شود و یکی از مبنایی‌ترین نیازها هم نیازهای معیشتی است و بعد از آن نیازهای امنیتی و سایر نیازهای معنوی. انسان موجودی است که یک جنبه مادی دارد و بخشی از حیاتش مادی است و برای زندگی نیاز به حداقل‌ها دارد. حتی اگر بخواهد به امور معنوی بپردازد باید حداقل‌های زیستی را داشته باشد. این بحث را می‌توان از دو زاویه نگاه کرد. یک زاویه نیازهای حداقلی است برای معیشت و زندگی که اسمش را فقر مطلق می‌گذارند. اگر افرادی زیر حداقل کالری نرمال دریافت کنند یا سرپناه و لباس مناسب نداشته باشند، به لحاظ بهداشتی از حداقل امکاناتی که می‌تواند آنها را در سلامتی نگه دارد محروم هستند. ممکن است افراد اگر برای تامین نیازهایشان از راه‌های مشروع موفق نشوند به صرافت کارهای نامشروع بپیفتند. این می‌تواند آسیب‌زا باشد و میزان سرقت و سایر جرایم بالا در جامعه را بالا ببرد. حتی به دلیل اینکه کالری لازم را دریافت نمی‌کنند، از نظر جسمی زمینه بروز خشم و عصبانیت در آنها وجود دارد و همین موضوع سبب می‌شود که این افراد زودتر از کوره در بروند و خشم هم منشاء بسیاری از ناهنجاری‌هاست. از زاویه دیگر که به آن فقر نسبی گفته می‌شود مبحث عدالت اجتماعی در جامعه مطرح می‌شود.

ناگفته پیداست که بی‌عدالتی در جامعه می‌تواند مشکل‌زا باشد. فقر نسبی میزان نابرابری‌ها و فاصله زیاد میان اقشار اجتماعی از نظر برخورداری از مواهب زندگی است. وقتی در جامعه‌ای دهک‌های یک و دو و دهک‌های ثروتمند با دهک‌های هشتم و نهم و دهم فاصله زیادی داشته باشند، اینها هم می‌تواند منشاء نابرابری اقتصادی باشد و هم اجتماعی؛ به این نابرابری فقر نسبی می‌گوییم. در این نوع جوامع افراد دست به مقایسه می‌زنند و این مقایسه می‌تواند مشکل‌زا باشد. اگر جامعه‌ای را در نظر بگیریم که عموم افراد در واقع از نظر برخورداری از مواهب زندگی حتی اگر در فقر به سر می‌برند، اما به تساوی باشند یا در جوامع برخوردار، این برخورداری به تساوی باشد یا فاصله‌ها زیاد نباشد، این جامعه در فقر یا در غنا و ثروت عادلانه است و میزان نابهنجاری‌ها و آسیب‌ها در آن کم است.

افروغ: فشارهای اقتصادی، فقر فرهنگی و بی‌توجهی به اخلاق و قناعت بر حسب غرایض حیوانی خود دست به کاری بزنند. ریشه کج روی اجتماعی در تمرکز فقر است؛ نه خود فقر، بلکه تمرکز فقر. وقتی تعدادی از فقرا در یک منطقه دور هم جمع می‌شوند یک مرادوه

ایدئولوژیک در میان آنها شکل می‌گیرد که به یک خرده فرهنگ کجرو و در پی آن به یک رفتار کجرو می‌انجامد. اما یک سوال در اینجا مطرح می‌شود: #171& چیه می‌شود که تمرکز فقر ایجاد می‌شود؟» ریشه در روابط نابرابر قدرت در سطح کلان دارد که این در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با عنایت به ارتباط اینها تجلی پیدا می‌کند.

اما توجه داشته باشید که اگر تمرکز فقر کجروی را ایجاد می‌کند، تمرکز غنا هم فرهنگ کجروی دیگری را در یک الگوی دیگر ایجاد می‌کند. علت ایجاد تمرکز فقر هم همان تمرکز غنا در جای دیگر است. این یک بحث جدی در جامعه‌شناسی است که زندان‌ها در تمام دنیا پر است از یک خرده فرهنگ کجرو و خرده فرهنگ دیگر، از این میدان جسته است. در نظریه بسیاری از جامعه‌شناسان آن وقتی که زمینه برای شورش فراهم می‌شود زمانی است که انسان‌ها خود را با دیگران مقایسه می‌کنند و بین داشته‌ها و توانایی‌های خود در مقایسه با داشته‌ها و توانایی‌های دیگران شکاف می‌بینند. آنها در خودشان توانایی‌های زیادی می‌بینند و زحمات زیادی هم می‌کنند اما امکانات لازم در اختیار آنها نیست.

جامعه ما پیش از این هم مشکلات اقتصادی را متحمل شده است اما هیچ‌گاه شاهد رشد آسیب‌های اجتماعی مانند امروز نبوده‌ایم. علت آن را چه می‌دانید؟

افروغ: هرچه جامعه اخلاقی‌تر باشد و به ارزش‌های اخلاقی در اقتصاد از جمله قناعت پایبند باشد و بیشتر از آنکه درگیر برج و بارو و به رخ کشیدن عظمت تمدنی خود باشد، به فکر وجوه نرم‌افزاری و اداره کشور، عدالت و برابری اجتماعی و اخلاق باشد بسیاری از این آسیب‌های اجتماعی را نخواهیم داشت. مثال واضح آن نیز زمان جنگ است. ما در زمان جنگ تحت فشار بودیم، تحریم بودیم، مشکلات اقتصادی وجود داشت اما جامعه خودش را کنترل می‌کرد. کجا این بیماری‌های اجتماعی وجود داشت؟ این حاکی از حکایت تلخ اجتماعی است که عملاً مردم با جامعه امروز دچار نوعی افسارگسیختگی است. ریشه این امر در نوع نگاه صاحبان قدرت و نوع برنامه‌ریزی هاست. قواعد اجتماعی سست شده است. هنجارهای سنتی خود را از بین بردیم، حرفش را می‌زنیم اما به آن عمل نمی‌کنیم. چیزی را هم به عنوان جایگزین ارائه نکردیم. بنابراین فضا نابسامان و یک بام و دو هوایی است.

معیدفر: انسان‌ها بعد از مقایسه خودشان با دیگران، شرایط آنها را هم مشابه خود می‌یابند، شرایط روحی و روانی آنها کنترل می‌شود اما وقتی فاصله‌ها خیلی زیاد باشد، وقتی که افراد خود را با پایگاه‌های بالاتر مقایسه می‌کنند، احساس فقر نسبی به آنها دست می‌دهد و حتی اگر حداقل‌های معیشتی را داشته باشند، احساس فقر می‌کنند. بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی معتقدند که فقر نسبی از فقر مطلق خطرناک‌تر است چون احساس آدم‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد و عواقب وخیمی دارد. در جوامعی که اکثریت در فقر هستند، آسیب‌ها و نابهنجاری‌ها کمتر است از جامعه‌ای که در آن فاصله برخورداری افراد از مواهب زندگی بسیار زیاد است.

رژه اتومبیل‌های آخرین مدل یا دیدن مناظر خانه‌های مجلل یا حتی تصاویری که رسانه‌ها از داخل این خانه‌ها ارائه می‌کنند، اینها همه مسئله‌زا هستند چون در دنیای امروز رسانه‌ها حتی حیات خلوتی باقی نمی‌گذارند افراد اگر به نان شب محتاج هستند و فقط یک تلویزیون دارند اینها را می‌بینند. باید تاکید کرد که اگر در تبلیغات انتخاباتی هم بر این مورد تاکید شود مزید بر علت می‌شود. طی سال‌های گذشته مکرراً شاهد بودیم که دولت روی این قضیه تبلیغ می‌کرد که عده اندکی در جامعه وجود دارند که بقیه را چپاول می‌کنند و درباره این نابرابری‌ها سخن گفته می‌شد. این نوع رفتارها که از سوی گروه‌های سیاسی دیده می‌شود سبب می‌شود احساس فقر در جامعه تشدید شود و متأسفانه ما طی 8 سال گذشته با این موضوع روبه‌رو بوده‌ایم.

شاهد بودیم که دولت تلاش می‌کرد برای حذف رقبای خود از صحنه سیاسی، دائماً برای محرومان و افراد کمتر برخوردار از فسادهای اقتصادی و رانت خواری سخن بگوید. وقتی چنین ادعاهایی مطرح می‌شود، این موضوع نابرابری را تشدید می‌کند. از سوی دیگر سستی هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی را داشتیم. هنجارها و ارزش‌هایی که به نحوی حافظ ثبات و بقای نظام اجتماعی هستند در نتیجه این رقابت ناسالم به هم می‌ریزند تا در کنار فقر مطلق، فقر نسبی و نابرابری، امروز سستی هنجارها و ارزش‌ها را شاهدیم.

افروغ: آن چیزی که می‌تواند مشکلات اقتصادی را آزار دهنده کند، شکاف‌های طبقاتی است. این شکاف‌ها باعث ناموجه شدن نابرابری هاست وگرنه اگر همه در یک سطح بودند یا اینکه فاصله‌ها زیاد نبود یا حتی وضعیت موجود برای مردم موجه بود، هیچ‌گاه این موضوع آزار دهنده نمی‌شد، اما وقتی نگاه می‌کنید انواع و اقسام‌ها را می‌بینید چه شکاف طبقاتی، چه شکاف وعده وعید و عملکرد، شکاف بین واقعیت‌ها و گزارش‌ها، همه اینها سبب می‌شود که آن حالت طبیعی فشارهای اقتصادی به گونه‌ای دیگر تفسیر شود. وقتی که در جامعه صاحبان قدرت بیش از آنکه دغدغه فرهنگی و معرفتی و اخلاقی و قناعت و ساده زیستی داشته باشند، بیشتر دغدغه‌های سیاسی دارند و فضا را سیاست زده می‌کنند، از این سیاست زدگی یک محفلی درست می‌کنند برای رسیدن به مواهب کمیاب اقتصادی.

نمی‌توان از تاثیر نوع مدیریت، نوع نگاه، نوع رفتار و نوع فرهنگ بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم جامعه غافل ماند. مثلاً

مستقیماً تبلیغ زندگی اشرافی می‌شود یا صحبت از ساده زیستی می‌شود اما آنچه مردم می‌بینند همه چیز هست به جز ساده زیستی! اینجاست که اتفاقی رخ می‌دهد و مسئله جدیدی ذهن مردم را به خود مشغول می‌کند: #171 باید کاری کرد!» همین سوال یعنی اینکه آنها احساس فشار و ناراحتی کرده‌اند و مقدمه‌ای که رخ داده تا جامعه به این شرایط برسد، بسیار مهم است. چون این اتفاقات، اتفاقات طبیعی و قابل قبول در جامعه نیستند.

معیدفر: سقوط ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، سستی هنجارها، قواعد، قوانین و عرف اجتماعی، به پیوست آن شرایط بسیار دشوار زندگی نظیر فقر، تورم و بیکاری که هر سه در حوزه اقتصادی هستند در حال حاضر زمینه ساز آسیب‌های اجتماعی است. در شرایط اقتصادی کنونی شرایط برای بخش‌هایی از جامعه دشوار شده است، از سویی کشور ما یکی از کشورهای است که با این همه فشار اقتصادی در رده‌های بالای وارد کردن خودروهای آخرین مدل در جهان است که از سوی افراد سودجو به کشور وارد می‌شود. این در حالی است که طبقه متوسط جامعه هر روز به ناچار یکی از کالاهای مهم را از سبد غذایی خود حذف می‌کنند و با تورم، بیکاری، نابرابری، زوال اخلاقیات و ناهنجاری‌ها دسته و پنجه نرم می‌کنند.

این پیامدهای اجتماعی تا چه میزان باید مورد توجه قرار گیرد؟

معیدفر: برخی معتقدند این شرایط نشانه‌هایی اندک هستند از اتفاقاتی که جامعه ما را در آینده تهدید می‌کند. مثل کوه یخی که بخش اندکی از آن مشهود است و از بابت آن احساس خطر نمی‌کنیم اما اگر سوار بر قایق به این کوه یخ نزدیک شویم و عظمت آن را از نزدیک ببینیم، متوجه عمق موضوع می‌شویم. بنابراین در شرایط کنونی درگیر سه عدم تعادل هستیم که هر سه در هم تنیده و مرتبط به هم هستند. عدم تعادل در حوزه اقتصادی، عدم تعادل در حوزه اجتماعی و عدم تعادل در نظم.

افروغ: وقتی جامعه بداند که با دانه درشت‌ها برخورد نمی‌شود و فقط با این خرده پاها برخورد می‌شود، ثروت‌های بادآورده ناشی از فرصت‌های رانتی دیده نمی‌شود. یک نمونه‌اش همین بحث فساد اقتصادی است. هیچکس هم منکر این موضوع نیست که در کشور فاسد اقتصادی داریم. سال‌هاست این مباحث همیشه مطرح بوده است. وقتی برخورد جدی انجام نشود، این افراد به تدریج ارزش‌ها را لوٹ می‌کنند و باعث سستی ارزش‌ها در جامعه می‌شوند. وقتی این حکم قضای اسلامی که برای افراد متخلف در حوزه اقتصادی صادر شده است، اجرا شود و این افراد به سزای عمل خود برسند، بدون شك شاهد آثار مثبت آن در جامعه خواهیم بود. این یک تسکین است برای مردم و بر محرومیت نسبی اثر می‌گذارد و مردم به این نتیجه می‌رسند که وقتی اهدافی مطرح می‌شود، ابزارها و قوانین هم برای همه یکسان است.